خیمت بار کوت سیوم اینها
میکنند شش جماعت با امام
بلکه تبعیت امام خویش
چون شود شرک قعده او
بازگشته نخیشود یقین
ساجد در پای سجده یاد
هم ز ثالث زیاده تر تنها
میشود نازل اولا با امام
بعد بر صف ثالث الی ثانی
صف ثانی است ممتلی اینها
بهر تقصیر که در قضا بستند
ندهد زحمت ای باد ویقین
در مقامیکه ازدحام باشی
میل میکند انوا زینهار
حق تعالی بفضل خود ضعیف
فرض یافت میشود موقوف
از ذخیره چو شارح اوراد
در محل رکوع بود امام
گفت ابویوسف بزرگ علم
گر شود منتظر بانسانی
وز محمد امام راه نبود

بود انند از خود است خطا
چون دو واجب بمانده اینها
واجب ویکی است قعده پیشین
او که بعد از قیام سازد درک
در همه حالها مکروه راین
گفت ایه دین صف اول
بهر ثواب بو حنیفه دانی
بعد بر صف اولین دانی
تا با تو نباشی خرابت دلی
میکنند پاره صف ثانی را
صف اول خوانه بر بستند
هر کجا فرجه بیابد کس
آید آنجا کسی شکست باکی
هم از بیم خوف ها ز بند اندیشی
میعد بدا او زاد صف
گر گذشت از رقاب آدمیان
در پیش نماز رکوع کرده یاد
آمد آنجا از گفتش انش
یعنی هر سیدم انا امام اعظم
خوف را امر عظیم بر درد
بکمال ایشان روایت کرد

بازگردند آن گروه تمام
بازگردند آن مصلی تنها
در نماز فریضه در همه جا
قعده اولش شده زو ترک
بنوشته است شارح اوراد
از جمیع صفوف هست افضل
رحمت ذو الجلال والاکرام
بعد از آن بر صف ثانی
فرجه هست بر صف اولی
وقتی رفت چونکه بر آنها
صف اول که پر شد از آنها
کرد زان جایگاه اهتبلی
گر زو دشت امر ای یار
هر جا که نرفت آنجا پیش
مسجد را که پر شد است صفوف
گفت ائمه بود کل است ان
ذکر کردند عالمان عظام
منتظر میشود با ویا نا
گفت آن رهبر مسلمانان
یعنی امر عظیم شرک است آن
شده است از ابو مطیع بلخی

بنود

بنود باشی منتظر گشتن
گفت ابوالقاسم ار کسی است غنی
جایز است انتظار این بنده
بنود جایز انتظار آن
یعنی هر یکی بدیده رس
ترس کار است عبادت است
گشت فارغ از آن زمان که امام
میشود منحرف بسوی کس
میگذارد قطوعش را آن
گشت فارغ نشست مستقبل
وار شنید الطلوع نکوست
چون نشیند بقوم باز رو
سوی غلطش بالیسار
مستحب است بر همین انسان
هست پشت لیسار مستقبل
روی بر سوی او که کرد اند
زبن عباس نقل فرمود
کودلنشیان امام قوم اکر
بعد فارغ شدن دعا سازد
در دعا هر دو دست بردارد
یعنی آن هر دو دست که دارد

قدر تسبیح ملک شد باد
بنود جایز انتظار کنی
گفت ابواللیث آن شرط
گر نه شناخت غیر آن بدان
لیک کرد ابوحنیفه خبر
بهترین جمیع طاعات است
می نگیرد نه سنت زود
از بجایی که فرض خواند انکس
بنود بعد او تطوع اکر
کره الملک گفت در منزل
هر کجایی نشست و رحمت
نیت مسبوق اگر جدای او
در رفتار کار کرد اعلام
کرد دوش یا یمین قبله آن
در رمینه نوشته اند سلف
او که است بود یقین دانی
چون نماز شش امام بر خواند
قوم با چنین میکنند خبر
در دعا گفت شارح اوراد
دستها تا به جدار صدر آرد
قول العفی ز صاحب عمل

گفت شیخی ملوی باشی باد
بوده باشد فقیر آینده
اگر آینده راشناسد وی
بنز الکاینکه گفته اند لا باس
ترس از آن قول التکلف ز بر
در خلاصه ز ظاهر حقیق شام
کره الکث قاعد افزود
گر بخواهد رود به بیت ها یان
یعنی چون بامداد یا دیگر
گر شود ذاهب احتیار اوست
تا طلوع ذکاه کثیر ثواب
هست مسبوق کرد دش اما
چون شد فارغ از نماز امام
گفت بنای قبر ای عامل
هست مسبوق اگر جدا خوف
الخنفی در صلوة مسبوق
زود رو سوی خلق کرد اند
هر نماز که پس ادا سازد
در بیان دعا که کرده یاد
قوم ها جنبلیکه بردارد
تا نماید بیاض هر دو بغل

Copyright King Saud University